

خبر

توضیح ایرنا درباره گزارش تغییرات بودجه در مجلس

● **شرق:** خبرگزاری ایرنا با توجه به حواشی به‌وجودآمده درباره گزارش «زیرسؤال‌بردن اصل شفافیت با تغییر خودسرانه جدول بودجه» که روز چهارشنبه، هشتم اردیبهشت منتشر شد، توضیحاتی داده است. روزنامه «شرق» نیز بر اساس همین جدول، روز پنجشنبه گزارشی با عنوان «خاصه‌خرجی پارلمان از جیب پاستور» منتشر کرده بود. در توضیحات ایرنا آمده است: «جدولی که در ایرنا منتشر شده، مقایسه برخی اعداد و ارقام جدول بودجه بر اساس لوایح ارسالی دولت و تغییرات آن پس از تصویب در مجلس و کمیسیون تلفیق است که از سایت رسمی ابلاغ قوانین دریافت شده و میزان تغییرات نهایی مجلس را در مقایسه با لایحه دولت نشان می‌دهد، اما از آنجا که نه مجلس، نه کمیسیون تلفیق و نه سازمان برنامه و بودجه تاکنون در این‌باره هیچ‌گونه «روشنگری و شفاف‌سازی» نکرده‌اند و به گفته نمایندگان، این ارقام نیز هنگام تصویب لایحه در صحن علنی مجلس مورد بررسی قرار نگرفته است، موجب بروز ابهاماتی در روایت گزارش مزبور شده است. در ادامه آمده است: «با وجود این، با توجه به بررسی‌های بعمل‌آمده و به دلیل بی‌دقتی خبرنگار در نگارش عناوین جدول و نیز نپی نشدن مراحل کامل تدوین و انتشار مطلب، درحالی‌که مطابق مقررات و آیین‌نامه داخلی خبرگزاری جمهوری اسلامی گزارشی در این سطح از اهمیت باید حتما به تأیید مسئولان ارشد خبری سازمان و همچنین دستگاه تخصصی ذی‌ربط (سازمان برنامه و بودجه کشور با معاونت امور مجلس ریاست‌جمهوری) می‌رسید ولی این فرایند طی نشده است، ضمن پوشش از مخاطبان ایرنا، مطلب یادشده از کلیه خروجی‌های خبرگزاری حذف می‌شود. در واقع، آنچه با عنوان «دروغ و جعل» ایرنا از سوی خبرگزاری خانه ملت مطرح شده است، ناشی از جای‌جاشدن عنوان ستون‌های جدول مربوط به جزئیات این تغییرات در لایحه بودجه ۱۴۰۰ است ولی اصل پرشش نمایندگان و افکار عمومی درباره ماهیت تغییرات همچنان به قوت خود باقی است و مجبیت هنوز توضیح ن داده است که اگر این جدول حاصل مصوبات کمیسیون تلفیق و آرای صحن علنی است، چرا بیش از یکصد نماینده به آن اعتراض دارند و به ابهامات مطرح‌شده مبنی بر تغییرات در جدول که از سوی دولت و نمایندگان مجلس مطرح شده است، هیچ پاسخ روشنی ارائه نمی‌دهد… در همین حال، با توجه به مطالبه جدی رسانه‌ها و افکار عمومی و نجساکان انتظاری رود سازمان برنامه و بودجه و هم‌پرزوهشی‌های مجلس درخصوص شفاف‌شدن جریان دسترسی آزاد و شفاف به اطلاعات، جدول مقایسه‌ای تغییرات را به صورت دقیق منتشر کند.»

دفاع توکل‌ی از نادران

● خبرگزاری صداوسیما به نقل از ایلاس نادران، رئیس کمیسیون تلفیق، نوشت که در بودجه ۱۴۰۰ دست‌کاری نشده و احمد توکل‌ی اقتصاددان و رئیس دیده‌بان شفافیت و عدالت هم در نامه‌ای اعلام کرد، گزارشی‌که نادران ارائه داده ابهام‌زداست. نادران به‌واسوسیمایا گفته که «همه تغییرات اعمال‌شده بر بودجه، با هماهنگی شورای نگهان انجام گرفته است… متأسفانه در روزهای اخیر در فضای مجازی بی‌اخلاقی‌هایی صورت گرفت مبنی بر اینکه مجلس مصوبه‌ای داشته و کمیسیون تلفیق، مصوبه مجلس را تغییر داده است. آنچه در فضای مجازی پخش شده کذب محض است. اطمینان می‌دهم آنچه انجام می‌شود در چارچوب اختیارات قانونی بوده است.» خبرگزاری ایرنا بخشی از جدولی را که گفته شده بود ارقام بودجه در آن دست‌کاری شده است، منتشر کرد اما بعدا با اعلام اینکه در انتشار و ویراستاری آن خط‌خا داده است، آن را از همه خروجی‌های خود حذف کرد. احمد توکل‌ی هم با انتشار نامه‌ای درباره حاشیه‌های به‌وجودآمده درباره بودجه ۱۴۰۰ نوشت که در آن آمده است: (۱) گزارش نادران ابهام‌زا است. (۲) پاسخ وی به بخشی از اعتراض‌ها قانع‌کننده است. (۳) اتمام دیده‌بان به گزارش نادران و پاسخ‌خ در حدی است که احتمال می‌دهد همه معترضان را قانع کند. (۴) این اعتماد در نادران در حدی است که نتنها زیر بار پنهان‌بران نمی‌رود بلکه با شجاعت در مقام پاسخ‌گوئی می‌ایستد. (۵) نادران خودش از فصالان اصلاحات ساختاری بودجه بوده و تخلف از مقررات هم کرده باشد از ناچاری بوده است. (۶) قضاوت ما مقدماتی است و تا اینجا بخشی از اعتراض‌ها وارد نیست و معترضان اگر بخواهند ادعایشان پذیرفته شود باید مستند و مصدق‌ی برزند. (۷) دیده‌بان قضاوت نهایی خودش را موقوف به پایان رسیدگی می‌کند و بار دیگر بر عهدش بر حفظ بی‌طرفی تأکید می‌کند؛ یعنی اگر به حدوث جرم برسیم- ولو علیه دوستانمان باشد، می‌گویم و لوازش را نیز می‌پذیریم.

مهرشاد ایمانی: شاید بتوان گشت چالش اصلی اصلاح‌طلبان در انتخابات ریاست‌جمهوری ۱۴۰۰ بیش از آنکه بر سر سه نامزدی به اجماع برسند، نداشتن سرمایه اجتماعی سابق است؛ به نحوی که تا امروز که کمتر از دو ماه به مهم‌ترین انتخابات کشور زمان باقی دیده نمی‌شود. نیروهای اصلاح‌طلب در حمایت از دولت روحانی و عدم تحقق شعارهای اصلاح‌طلبانه او در سال‌های ۹۲ و ۹۶، با انتقادهای گسترده‌ای از سوی بدنه اجتماعی خود مواجه‌اند؛ به‌نحوی‌که به باور بسیاری، به این سادگی‌ها نمی‌توانند اعتماد از دست‌رفته را احیا کنند. برای بررسی جایگاه کنونی اصلاح‌طلبان در جامعه و نیز جایگاه سیدمحمد خاتمی به‌عنوان لیدر اصلاحات در میان مردم، ساعتی را به **محمدعلی ابطیعی**، فعال سیاسی اصلاح‌طلب و از اعضای مجمع روحانیون مبارز، به گفت‌وگو نشستیم که مشروح آن را در ادامه می‌خوانید.

آقای ابطیعی در شرایط کنونی آن‌طور که انتظار می‌رود فضای انتخاباتی با اقبال عمومی روبه‌رو نیست و به نظر می‌رسد اکنون بیش از آنکه به نامزدهایی به صحنه آمده‌اند، اصل مقوله انتخابات در نگاه مردم اهمیت دارد. جایگاه انتخابات در سال ۱۴۰۰ را در نگاه عمومی چطور می‌بینید؟

اتفاق کم‌نظیری را شاهد هستیم که اکنون در اردیبهشت ۱۴۰۰ هنوز تکلیف هیچ‌یک از جناح‌های سیاسی معلوم نیست و چهره‌های شاخصی برای انتخابات معرفی نشده است. معمولاً قبل از عید نامزدهای اصلی جناح‌های سیاسی مشخص می‌شدند اما این‌بار در اردیبهشت هنوز مشخص نیست چه شخصیت‌هایی قرار است نامزد اصلی اصولگرایان یا اصلاح‌طلبان باشند. جالب است‌که اصولگرایان در حالی اکنون شرایطی بحرانی را سپری می‌کنند که سال‌ها بدون دغدغه بررسی صلیحات‌ها فرصت داشتند تا فعالیت کنند و هیچ فشار امنیتی هم بر آنها نبود، اما می‌بینیم که مشکلات آنها کمتر از اصلاح‌طلبان نیست. مردم هم رغبتی به انتخابات نشان نمی‌دهند که این شرایط دلیل زیادی دارد؛ از جمله آنکه مردم با نظرات مشخصی پای صندوق آمدند و قرار بود تغییراتی در شیوه اداره کشور ایجاد شود، اما بعد از هشت سال گفته شد اختیارات رئیس‌جمهور کافی نیست. مردم در این وضعیت می‌گویند پس برای چه باید به مقامی رای دهیم که دارای اختیار نیست. دربی این نوع نگاه اصل انتخاب رئیس‌جمهور آسیب‌پذیر شده است. عامل مهم دیگر، فشارهای اقتصادی بر مردم بوده که شرایط را بسیار سخت کرده است. بخشی از مشکلات اقتصادی به تحریم‌ها مربوط می‌شود. عاملی غیرقابل پیش‌بینی به نام ترامپ آمد و ناگهان از برجام خارج شد و زمینه بحران شدید اقتصادی در ایران را ایجاد کرد، اما افزایش این بخش از شرایط کنونی هم به‌دلیل رقابت‌های سیاسی در داخل بوده است؛ و به این شکل مردم را نسبت به دولت بدبین و دولت را تضعیف کردند. مهم‌تر از همه اینها نبود چشم‌انداز امید‌پیش‌روی مردم است. مردم احساس نمی‌کنند که همدلی میان نیروهای سیاسی برای رفع مشکلات وجود دارد و می‌بینند که هرگونه اعتراض مردمی هم با مقاومت روبه‌رو می‌شود. طبیعی است که در چنین شرایطی مردم نسبت به انتخابات ناامید باشند.

شرایط اصلاح‌طلبان از سال ۸۸ تا ۹۲ در انزوا شدیدی قرار داشتند که برخی باور دارند اصلاح‌طلبان می‌توانستند در این چهار سال به بازسازی هویتی و گفتمانی خود بپردازند. از سال ۹۲ تاکنون هم که دولت تحت حمایت‌شان روی کار است، وقتی مجموعاً به ۱۲ سال اخیر نگاه می‌کنیم، درمی‌یابیم که اصلاح‌طلبان نته‌تها ارتباط عمیقی با جامعه برقرار نکردند، بلکه حتی از سرمایه اجتماعی خود نیز فاصله گرفتند، تا حدی که امروز جامعه برخلاف میانه دهه ۷۰، اصلاح‌طلبان را نماینده سیاسی خود نمی‌داند. آیا بخشی از این ناامیدی مردم، از سیاست‌ورزی ناشی از عدم ارتباط درست اصلاح‌طلبان با مخاطبان هم‌دغدغه همی از جامعه را تشکیل می‌دهند، نیست؟
من این اصلاح‌طلبان و اصلاح‌طلبی فرق می‌گذارم. اصلاح‌طلبان گروهی سیاسی هستند که تحت تأثیر فضای امنیتی و تبلیغاتی قرار می‌گیرند. در تمام این سال‌ها فشارهای گسترده‌ای برای حذف جریان اصلاح‌طلب در کار بوده است. از سوی دیگر دیدیم که ناگهان یک موج وسیع تبلیغاتی و سراسر تهمت و دروغ با همکاری اصولگرایان تندرو و جریان برانداز خارج از کشور علیه اصلاح‌طلبان شکل گرفت. براندازان که هدفشان ساقطکردن نظام است، تصور می‌کنند اصلاح‌طلبان می‌توانند جلوی انحرافات سیاسی در داخل کشور را بگیرند و مانع هدف آنها شوند؛ به همین دلیل نیروهای برانداز، اصلاح‌طلبان را یکی از مهم‌ترین موانع خود می‌دانند. جالب

است که میان آنها و نیروهای افراطی داخلی حلقه وصلی ایجاد شد و علیه اصلاح‌طلبان فعالیت کردند. شما ببینید شعار «اصلاح‌طلب، اصولگرا، دیگه تمومه ماجرا» از آمدنیوز آن زمان بیرون زد و تا روزنامه کیهان هم به‌نوعی دیگر در مواجهه با

سیاست

گفت‌وگو با محمدعلی ابطیعی درباره جریان اصلاح‌طلبی و انتخابات

ظریف خارج از جریان اصلاحات نیست

وقتی خاتمی می‌بیند هر کاری می‌کند فایده‌ای ندارد، می‌گوید دیگر از من انتظار نداشته باشید



زاری، روزنامه‌نویس

اصلاح‌طلبان تکرارش می‌کردند. در واقع رسماً پروژه حذف اصلاح‌طلبان از پهنه سیاسی ایران در داخل و خارج از کشور دنبال می‌شد. بنابراین باید چنین شرایطی را در تحلیل عملکرد اصلاح‌طلبان در نظر داشته باشیم. گفتمان اصلاح‌طلبان در آغاز کار دولت اصلاحات تحقق جامعه مدنی، زندگی آزاد، توسعه سیاسی و فرهنگی و به‌تدریج کمک به گسترش فضای مجازی و… بود، اما از جایی به بعد اصلاح‌طلبان در نگاه جامعه برای تحقق چنین مفاهیمی به حاشیه رفتند، اما اصلاح‌طلبی اتفاقا در متن و بطن جامعه بیش از پیش گسترش یافت و جامعه مدنی به سالن‌های تئاتر، کافی‌شاپ‌ها و… منتقل شد. سبک زندگی مردم نشان می‌دهد که آنها کاری با خواش رسمی سیستم ندارند و از آن سو سیستم هم حواسش به مطالبات اجتماعی نیست. نتیجه آنکه به نظر من سرعت اصلاح‌طلبی اتفاقاً بیش از گذشته است و امروز با جامعه اصلاح‌طلب‌تری مواجهیم حتی از سال‌های ۷۶ و ۷۸؛ گرچه شاید دیگر اصلاح‌طلبان رهبران اصلاح‌طلبی در کشور نباشند.

آ پس مشخصاً شما اذعان می‌کنید که اکنون اصلاح‌طلبان نمایندگی سیاسی جامعه را در اختیار ندارند؟
بله؛ بدنه جامعه به‌طور جدی‌تری نمایندگی اصلاح‌طلبی در کشور را در اختیار دارد تا لیدرهایی که یا زیر بیشترین فشارها هستند یا مشکلات عدیده حزبی دارند.

آقای ابطیعی، کاهمی برخی اصلاح‌طلبان می‌کشوند درعین حال که با مطالبات جدی جامعه همراه می‌شوند، باز هم نمایندگی سیاسی را در دست بگیرند، اما می‌بینم که خود اصلاح‌طلبان سرعت‌گیر آنها می‌شوند و با طرح عناوینی مانند اصلاح‌طلبان افراطی، رادیکال و… آنها را به انزوا می‌رانند. البته در مقابل آنها نیز می‌گویند که عده‌ای در جریان اصلاحات، استمرار طلب هستند یا در عالم سیاسی تساهل و تسامح می‌کنند. بخشی از ناامی اصلاح‌طلبان در نمایندگی سیاسی جامعه به خود اصلاح‌طلبان بازمی‌گردد؟

گفتم که یکی از مشکلات لیدرهای سیاسی اصلاح‌طلب، مشکلات حزبی است. خیلی‌وقت‌ها به‌صورت غیرعلنی یک بحث علنی گفته می‌شود که نیازی به وجود حزب نیست. در جامعه ما در مواجهه با احزاب نوعی ساز مخالف وجود دارد و احزاب موجود هم چه گسترده یا کم‌جمعیت که تعداد بعضی احزاب به تعداد اعضای یک حزب هم نمی‌رسد، تشکیل شده‌اند و کار می‌کنند. حالا باید ببینیم احزابی که در یک جریان سیاسی تعریف می‌شوند تا چه حد وابسته به یک دیدبندگی سیاسی‌اند یا آنکه چقدر با هم اختلاف دارند. برای مثال شما نگاه کنید که اصولگرایانی مانند آقای رائفی‌پور، سعید قاسمی، حسن عباسی و پناهیان چقدر با افرادی مانند آقای لاریجانی، رئیسی یا حتی قالیباف فاصله دارند. با این‌ها هنوز فضای گفت‌وگو در جبهه اصلاحات وجود دارد و با وجود اختلافاتی که در میان است، اصلاح‌طلبان بیشتر اهل گفت‌وگو برای رسیدن به نتیجه‌ای واحد هستند.

آ یکی از ویژگی‌های مثبت جبهه اصلاحات در تمام این سال‌ها وجود آقای خاتمی بوده که سخن او در تمام این سال‌ها هم‌نتها برای نیروهای اصلاح‌طلب ملهم بر این کشور را اداره می‌کنند، کارها به‌درستی پیش می‌رفت. اصلاح‌طلبان تجربه خوبی در برقراری ارتباط با جامعه و بهره‌گیری از آن برای به‌وجودآوردن شرایط مناسب اقتصادی و سیاسی در اختیار دارند، اما اکنون شرایط کلی فرق کرده است. آنها از دولت آقای روحانی حمایت کردند و روحانی گرچه اصلاح‌طلب نبود، اما دولتش در افکار عمومی برآمده از حمایت‌سازود و یادش را شناخته می‌شود و ما این سباحت را داریم که بگوییم به در سال ۹۲ و ۹۶ حمایت کردیم؛ زیرا بهترین گزینه در آن زمان همین بود؛ برخلاف اصولگرایان که اکنون طوری سخن می‌گویند که انکار احمدی‌نژاد از خارج آمده بود و آنها هیچ نقشی در روی کار آمدنش نداشتند. روحانی برای اصلاح‌طلبان بحران‌های زیادی به وجود آورد که اکنون مردم از اصلاح‌طلبان کنونی هم عبور کرده‌اند و به سمت اصلاحاتی پرسرعت رفته‌اند.

اصلاح‌طلبان در سال ۱۴۰۰ چگونه است؟
شرایطی که به آن اشاره کردید، طبیعی است و نمی‌شود انکار کرد. وقتی یک جریان سیاسی در معرض انواع همه‌جا قرار می‌گیرد، رهبران آن نیز مورد تهدید قرار می‌گیرند و دیگر نمی‌توانند آن‌گونه عضو مجمع روحانیون مبارز هستند و فعالیت سیاسی و انتخاباتی می‌کنند، حتماً می‌گویند بله باید شرکت کرد، اما بعد از آن

ادامه از صفحه اول

از دیپلماسی تا میدان

به این ترتیب کشورهای که برنامه رشد درآمد صادراتی خود را با جدیت دنبال می‌کنند، معمولاً گسترش مناسبات اقتصادی با کشورهای هدف را به‌عنوان یکی از مهم‌ترین برنامه‌هینت‌های دیپلماتیک خود تلقی می‌کنند. با این حال در کشور ما طی چندین دهه همواره این اقتصاد ملی بود که در خدمت سیاست خارجی قرار گرفته است. بهترین شاهد این مدعا سخنان رئیس‌جمهوری در دی‌ماه ۱۳۹۲ است. وی در سخنرانی خود در کنفرانس اقتصاد ایران بر این نکته تأکید کرد که سال‌هاست اقتصاد ما به سیاست بیارانه می‌دهد، بگذارد یک مدت هم سیاست به اقتصاد بارانه نبده. نکته در‌خور تأمل این است که اگر کشوری اقتصادش را در خدمت سیاست قرار بدهد، هرچند در کوتاه‌مدت ممکن است پیشرفت‌هایی در عرصه سیاست داشته باشد و حتی با مدد درآمد سرشار نفتی به حیاط خلوت آمریکا نیز نفوذ کند، همان‌طور که ایران اقدام به سرمایه‌گذاری در آمریکای لاتین و استقرار کارخانه تراکتورسازی در ونزولناکرد، اما این موفقیت دوران کوتاهی خواهد داشت؛ زیرا دیر یا زود اقتصاد ملی با بحران مواجه شده و قدرت بازآوردن به سیاست را از دست خواهد داد. به این ترتیب کشور ممکن است هم در عرصه اقتصاد و هم در عرصه سیاست متحمل باخت سنگین شود. اما اگر کشوری با انتخاب شیوه درست، سیاست خارجی خود (یا حداقل بخشی از آن) را در خدمت اقتصاد ملی قرار بدهد، به مرور زمان با رشد اقتصاد ملی و افزایش قدرت اقتصادی کشور، میزان اثرگذاری و نفوذ آن در میدان سیاست نیز افزایش می‌یابد. دقیقاً به همین دلیل است که چین بعد از چهار دهه پیوستن از سیاست تنش‌زدایی و تقدم اقتصاد بر سیاست، امروز به‌عنوان قدرت دوم اقتصادی جهان در شرایطی قرار گرفته که درگیر جنگ اقتصادی با آمریکا شده و موجبات نگرانی این کشور را فراهم کرده‌است. مانند تقابل بین اقتصاد و سیاست، در تقابل بین میدان و دیپلماسی نیز دو حالت وجود دارد؛ یا باید دیپلماسی در خدمت میدان باشد و به‌عنوان ابزاری برای موفقیت در میدان مورد استفاده قرار گیرد یا باید میدان در خدمت دیپلماسی و هماهنگ با آن باشد. به این ترتیب در بررسی رابطه میدان و دیپلماسی بدون مت‌آشردن از برخورد‌های احساسی و حماسی باید دید کدام شیوه بیشترین ستاورد را دارد و به همین دلیل مورد توجه همه بازیگران علم سیاست است. در امروز به واقعیت‌های جهان امروز می‌توان نتیجه گرفت هیچ‌یک از کشورهای مطرح در عرصه سیاست جهان، دیپلماسی را در خدمت میدان و اهداف میدانی قرار نمی‌دهند. میدان ابزاری است که باید در خدمت دیپلماسی باشد و تا جایی که می‌تواند به افزایش قدرت چانه‌زنی دیپلمات‌ها بر سر میز مذاکره کمک کند؛ زیرا به‌تدریج دیپلماسی را از برش و نفوذ محروم می‌کند. گفتمانی است بزرگ‌ترت آفت برای بدنه دیپلماسی یک کشور این است که طرف مقابل بر سر میز مذاکره باور داشته باشد مذاکره‌کنندگان حرف آخر را نمی‌زنند. این وضعیت در ادبیات عامه جامعه ما با عبارت تحقیرآمیز «برو بگو بزرگ‌ترت بیاید» توصیف می‌شود. دقیقاً به همین دلیل است که کلاروویتس، نظریه‌پرداز برجسته نظامی پیروس در اوایل قرن نوزدهم، جنگ را ابزار سیاست یا ادامه سیاست تلقی کرده و می‌گفت: در مسائل نظامی باید از مسائل سیاسی بیرو کرد؛ زیرا این سیاست است که اعلان جنگ می‌کند، درحالی‌که جنگ به‌طور صرف وسیله‌ای بیش نیست. ازاین‌رو با عنایت به اینکه شیوه‌های عملی کشورهای قدرتمند و موفق براساس ده‌ها سال تجربه تدوین شده و رسمیت یافته است، با مرور تجربیات جهانی فقط یک نتیجه روشن و یک پاسخ قطعی به سؤال بنیادین مورد نظر وجود دارد: سیاست خارجی در خدمت اقتصاد ملی و میدان در خدمت دیپلماسی.

ظریف را قربانی نکند

شاید عده‌ای بگویند حرف مهمی زده نشده و مشابه این تحلیل‌ها در مجامع علمی و دانشگاهی مرتب بیان می‌شود و اتفاقاً این گفت‌وگو، کام بزرگی در جهت شفافکردن شیوه حکمرانی در نظام جمهوری اسلامی است. اما باز هم بیان آن از زبان وزیر خارجه مستقر، خطایی استراتژیک است و احتمالاً فشارها دستگاه

سیاست خارجی را که درگیر مذاکرات سنگین وین برای لغو تحریم‌ها و بازگشت آمریکا به برجام است. تا پایان دولت دوازدهم کم‌کمان تشدید خواهد کرد. اساساً بخش عده‌ای از پیچیدگی‌ها و حساسیت‌های عرصه سیاست و روابط بین‌الملل مربوط به ابعاد وروایز پنهان آن است که حتی در نظام‌های دموکراتیک و با شفافیت بالا بعد از رخ داده و واقعا دکتر ظریف با علم به محرمانه‌ماندن تن اصلاح‌طلبان به سمت حضور غیرفعال در انتخابات می‌روند؛ یعنی تحريم نمی‌کنند، اما از فرد خاصی حمایت نمی‌کنند و ستادهای انتخاباتی هم نخواهند داشت.

آ اصلاح‌طلبان اگر در انتخابات بیروز نشوند و دولت آینده، دولتی اصولگرا باشد، چه خواهند کرد؟
در آن صورت باید محوریت حزبی خود را سامان دهند و دیدگاه‌های خود را سازماندهی کنند و بکوشند در عرصه مذاکره با قدرت‌های بزرگ جهان بینجامد. بدون شک میراث ماندگار سردار شهید سلیمانی هم نباید دستاویز تشدید اختلافات داخلی و برخورد‌های افراطی درباره تحلیل‌های محرمانه‌ای شود که در انتشار آنها نیت سوء و غرض‌ورزی دشمنان قسم‌خورده کشور مؤثر بوده است. ضمن اینکه سیاست خارجی ایران در این شرایط حساس، ضمن ایمنی نیاز مبرم به اجماع و هماهنگی گسترده داخلی دارد که نباید منافع ملی تحت‌الشعاع این مسئله قرار گیرد.

آ به عنوان پرریش پایانی آیا شما برای خودتان برنامه‌ای در سیاست در نظر دارید؟ آیا باز هم محمدهعلی ابطیعی را به هر شکل ممکن دوباره در سیاست شوقیم مدتی؟
قرابت من با دیگر بانزستنه شده‌ام و ۱۰، ۱۵ سال است که کاری نمی‌کنم.